

اشاره

مکتب کلامی و فقهی بغداد و سپس نجف، و پس از این دو مرکز، مکتب حله یکی از مراکز بزرگ کلامی و فقهی است. این مقاله مختصر در قالب گزارش یکی از کتابهای ارزشمند به بررسی مکاتب فقهی پرداخته؛ به گزارش این مکتب فقهی در دوره پس از شیخ طوسی تا مکتب حله پرداخته است. امیدست مورد استفاده پژوهشگران قرار گیرد.

معرفی کتاب «مکاتب فقه امامی ایران پس از شیخ طوسی تا پای گیری مکتب حله»

محمد معینی فر*

مقدمه

محمد بن حسن بن علی طوسی، معروف به شیخ الطایفه یا شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) یکی از بزرگترین علمای شیعه امامی می باشد که شهره موافق و مخالف است. وی که در رمضان سال ۳۸۵ ق، چهار سال پس از وفات شیخ صدوق در طوس خراسان متولد شد، به سال ۴۰۸ ق، یعنی دو سال بعد از وفات سید رضی (ره) به عراق رفت.^۱ شیخ نزد استادانی تلمذ کرده که خود از مفاخر و ذخایر شیعه هستند.

یکی از مهم ترین آنها شیخ مفید (م ۴۱۳ ق) است که شیخ طوسی در پنج سال آخر عمر ایشان از علوم وی استفاده فراوان کرده است.^۲ یکی دیگر از استادان بنام شیخ طوسی، شریف مرتضی

* پژوهشگر و دانشجوی دوره دکتری رشته مذاهب فقهی دانشگاه ادیان و مذاهب قم.

Moeinifar92@yahoo.com

۱. حاج شیخ عباس قمی، فوائد الرضویة فی حوال علماء المذهب الجعفریة.

۲. ملا محسن امین، اعیان الشیعة، ج ۹، ص ۱۵۹.





(م ۴۳۶ ق) است. سید مرتضی نیز شاگرد شیخ مفید بوده و شیخ طوسی علی رغم اینکه هر دو شاگرد شیخ مفید بوده‌اند، پس از شیخ مفید به خاطر اینکه سید از برجسته ترین شاگردان شیخ مفید بوده، شاگردی سید مرتضی راگزیده و از هوش و دقت و ظرافت سید نیز بهره‌ها برده است. تا قبل از شیخ طوسی استفاده از اخبار آحاد در میان فقهای شیعه جایگاهی نداشته، ولی شیخ به خاطر جامعیت و تسلط بر علوم مختلف از حدیث و قرآن و فقه و اصول و...، روشی را در فقه انتخاب کرد که آن اعتنا به اخبار آحاد محفوف به قرائن بود. به همین دلیل، بسیاری از روایات که تا آن زمان مورد اعتنا و تشبث علمای فقه قرار نمی‌گرفت، در روش فقهی شیخ طوسی قابل طرح و بررسی شد و نیز به همین دلیل بود که ایشان به نوشتن فقهی مبسوط دست زد که تا آن زمان در فقه شیعه سابقه نداشته است.^۱

نمونه بارز تسلط وافر ایشان بر فقه، علاوه بر مبسوط، کتاب حدیثی فقهی تهذیب است که یکی از کتب اربعه شیعه محسوب می‌شود که ایشان در ۲۸ سالگی آن را نگاشته‌اند.^۲ وی در اصول، کتاب العده و در تفسیر کتاب التبیان و در ادعیه کتاب المصباح و... را به رشته تحریر درآورده.^۳

شیخ طوسی به دلیل تسلط بر علوم و فنون مختلف و هم هوش و درایت و نیز درک کردن استادانی که هر کدام استوانه و عمود علمی محسوب می‌شدند، سالهای متمادی فکر و نظرش در مجامع علمی تبادل می‌شد و نقل مجالس، نظر علمی شیخ بود. به همین دلیل، مباحث علمی فقط در حد حاشیه و شرح آثار شیخ بود که این دوران را حدود صد سال بلکه بیشتر گفته‌اند.^۴ حتی کسانی پرا فراتر گذاشته و گفته‌اند در این دوران همه مقلد شیخ بوده و نظری از خود ایراد نمی‌کرده‌اند.^۵ و نیز گفته‌اند که بدترین دوران بوده، زیرا بر پیشرفت علمی چیزی

۱. همان، ج ۹، ص ۱۶۱.

۲. همان.

۳. سید ابوالقاسم خویی، معجم رجال حدیث و تفصیل طبقات الرواة، ج ۱۵، ص ۲۴۳.

۴. ملا محسن امین، اعیان الشیعه، ج ۹، ص ۱۶۵.

۵. احمد پاکتچی، مکاتب فقه امامی ایران پس از شیخ طوسی تا پایگیری مکتب حله، ص ۱ و ۵؛ و نیز معجم رجال حدیث، ج ۱۵، ص ۲۴۳.

افزوده نشده، بلکه همه دنباله‌رو شیخ و در حقیقت همه مفتون نظرات شیخ بوده‌اند و به دلیل هیبت علمی شیخ کسی جرأت نمی‌کرده خلاف نظر او رأی صادر کند. این وضعیت بود تا اینکه ابن‌ادریس حلی (م ۵۹۸ق) ^۱ و سدیدالدین حمصی (م ۶۷۳ق) ^۲ به مجامع علمی پای گذاشتند. نظر این دو دانشمند شیعه بر این بود که اخبار آحاد قابل اعتنا نیستند (طبق منهج سید مرتضی) و نمی‌توان به آن عمل کرد. ^۳ به همین دلیل زبان طعن را بر شیخ گشودند. ^۴ آنان از این کار شیخ اظهار اعجاب می‌کردند که چرا شیخ با آن مکتب علمی، اخذ به خبر واحد کرده و آن را حجت می‌داند و در مورد نزاع بینشان قصه سراییهای فراوانی شده که خود بخوان از این مجمل.

کتاب مکاتب فقه امامی، نوشته دکتر احمد پاکتچی، تلاشی است بر این مطلب که در همان عصر رکودی که ابن‌ادریس همه را مقلد شیخ خوانده، علما و فقهایی بوده‌اند که نظر فقهی‌شان غیر از نظر فقهی شیخ الطایفه بوده و گاه دارای منهج فقهی خاص خویش بوده‌اند که تعدادشان هم کم نیست و بیشتر آنها در ایران می‌زیسته‌اند.

در پایان باید یادآور شویم که به طور قطع گزارشی به این اختصار، گویای تمام فصول و ابواب کتاب نیست و صرفاً تلاشی است گزارش گونه از کتاب، از همین رو سعی بر آن شد تا نهایت اختصار صورت گیرد تا با اندک وقتی، اطلاعاتی کلی از کتاب به دست خواننده محترم بیاید.

گزارش فهرست کتاب

این کتاب دارای ۳۲۷ صفحه است و در ۱۳۸۵ توسط انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) در یک جلد به چاپ رسیده است و مجموعاً در این کتاب بیش از ۸۰ تن از علمای طراز اول، از شیخ طوسی تا پایگیری مکتب حله نام برده شده است.

۱. ملا محسن امین، اعیان الشیعة، ج ۹، ص ۱۶۵.

۲. همان، ج ۷، ص ۱۸۵.

۳. نک: ابن‌ادریس، السرائر.

۴. مکاتب فقه امامی ایران از شیخ طوسی تا پایگیری مکتب حله، ص ۲۹۷.





گزارش محتوای کتاب

در مورد شیخ طوسی گفته شده است که تا حدود یک قرن و نیم بعد از او تمامی فقیهان پیرو مکتب او بوده‌اند، به طوری که ورام بن ابی فراس در نقلی شفاهی از استادش سدیدالدین حمصی آورده است: «اکنون برای امامیه صاحب فتوایی اهل تحقیق بر جای نمانده است، بلکه همگی اهل نقل‌اند.» به تعبیری گویا می‌توان گفت حمصی تمام عالمان امامیه پس از شیخ طوسی را مقلد وی می‌داند.

مؤلف در ابتدا خواننده را با دو پرسش مواجه می‌سازد: نخست آنکه: «مکتب فقهی شیخ طوسی تا چه میزان در محافل فقهی ایران نفوذ داشته و فقیهان ایرانی در دوره یاد شده تا چه حد در جهت تکمیل یا نقد نظریه‌های شیخ طوسی گام برداشته‌اند؟» دوم آنکه: «مکتب فقهی متکلمان امامیه تا چه میزان در محافل فقهی ایران در دوره یاد شده نفوذ داشته و مکتب صاحب حدیث تا چه حد بازماندگانی داشته است؟» پس می‌توان گفت کتاب حاضر پیرامون «بازسازی تصویر تاریخی محافل گوناگون فقه امامی در ایران به خصوص محافل پیرو مکتب متکلمان است که نقش آنان به فراموشی سپرده شده است» و «تحلیل اندیشه فقهی منتقدانی چون قطب‌الدین راوندی و سدیدالدین حمصی است» که نقطه اوج تأملات فقهی - اصولی در سده ششم هجری است.

بخش اول: مباحث پیشینی

بخش اول کتاب مربوط به مباحث پیشینی است و در فصل اول آن نویسنده به مباحث روش شناختی می‌پردازد، مانند ۱. روش نقد منابع و داده‌ها ۲. روش تمییز طبقات و زمان‌یابی که به بررسی سه اصطلاح نسل (فعال)، طبقه و قرن می‌پردازد و نقل قول می‌کند تا اینکه بعضی حتی با تکیه بر روایتی از پیامبر قائل‌اند که قرن، ۴۰ سال است و ... در قسمت طبقه نیز اقوال مختلفی را ذکر کرده و سرانجام در سده‌های پنجم و ششم قائل به طبقات با فاصله ۲۵ سال است بر پایه نظام ۸۵ - ۶۰ - ۳۵ - ۱۰ و در مجموع هفت طبقه به دست می‌دهد که مبنای کار ایشان در پژوهش کتاب حاضر است:

طبقه اول: رجال فعال در حدفاصل ۴۶۰ - ۴۳۵ ق با شاخص شیخ طوسی (۴۶۰ ق)

طبقه دوم: رجال فعال در حدفاصل ۴۶۰ - ۴۸۵ ق با شاخص ابن براج (۴۸۱ ق).

طبقه سوم: رجال فعال در حد فاصل ۵۱۰ - ۴۸۵ ق با شاخص ابوعلی طوسی (دح ۵۱۱ ق).
طبقه چهارم: رجال فعال در حد فاصل ۵۳۵ - ۵۱۰ ق با شاخص عماد الدین ابن حمزه طوسی
طبقه پنجم: رجال فعال در حد فاصل ۵۶۰ - ۵۳۵ ق با شاخص عماد الدین طبری
(د بعد ۵۵۳ ق).

طبقه ششم: رجال فعال در حد فاصل ۵۸۵ - ۵۶۰ با شاخص ابن شهر آشوب (د ۵۸۸ ق).
طبقه هفتم: رجال فعال در حد فاصل ۶۱۰ - ۵۸۵ با شاخص منتجب الدین رازی (د بعد
۶۰۰ ق).

در دهه‌های پایانی سده ششم هجری، سه گرایش اصلی در حوزه‌های امامیه دیده می‌شود. نخست مکتب متکلمان که افزون بر بغداد، شام و مصر در حوزه‌های امامی ایران هوادارانی استوار داشته است. دوم گرایش مکتب شیخ طوسی که بیشترین موفقیت خود را در ایران به دست آورده که در غرب سرزمینهای شیعی مورد توجه قرار نگرفت. سوم جریان اصحاب حدیث که در گذشته غالب بوده و همچنان در طی این دوره به بقای محدود خود ادامه داده است.

هر کدام از این گرایشها شاخصه‌های خاص خود را دارند. مهم‌ترین این شاخصه‌ها که ریشه در اختلافات اصولی شیخ طوسی با مکتب متکلمان دارد، موضع اتخاذ شده در قبال خبر واحد است. مکتب متکلمان عموماً حجیت خبر واحد را باور نداشتند. این در حالی است که پیروان شیخ طوسی به حجیت خبر واحد قائل بوده‌اند. باور شیخ طوسی در باب حجیت خبر واحد، زمینه تدوین آثاری مشتمل بر احادیث فقهی چون تهذیب الاحکام و الاستبصار و بسط مباحث مربوط به اختلاف الحدیث را فراهم کرد. ولی شخصیت‌های مکتب متکلمان چون شیخ مفید و سید مرتضی هرگز چنین سیری را طی نکردند. پس میزان اهتمام به احادیث فقهی و مسئله اختلاف الحدیث می‌تواند به عنوان شاخصه‌ای برای تمییز دو مکتب باشد. از جمله شاخصه‌های دیگر می‌توان اهتمام به روایت تدریس و شرح النهایة شیخ طوسی را یاد کرد که برای پیروان مکتب شیخ طوسی در شمار شعائر مکتب بوده است. همچنین توجه به دو اثر از سید مرتضی و شیخ طوسی یعنی الذریعة و العدة که در اصول فقه نوشته شده‌اند، در صورت اهتمامی ویژه به تدریس یا شرح آن، می‌تواند تقویت کننده پیوستگی فرد به یکی از دو مکتب



باشد.

مؤلف در فصل دوم مروری بر منابع تاریخی دارد که شامل این مباحث می‌شود: ۱. منابع شناخت شخصیتها که از اصلی‌ترین منابع سده ششم هجری است، شامل معالم العلماء این شهر آشوب و الفهرست منتجب‌الدین رازی، و برخی از کتب عمومی رجال اهل سنت نیز قابل ذکر هستند، مانند الانساب سمعانی، تلخیص مجمع الآداب ابن فوطی و... ۲. منابع برای مطالعه آموزه‌ها، مانند کتب فقهی از علمای همان زمان، مثل فقه القرآن از قطب‌الدین راوندی، الوسیلة از عمادالدین ابن حمزه و...

مؤلف در فصل سوم مروری بر زمینه‌های تاریخی دارد از جمله ۱. نفوذ فقه متکلمان امامیه در ایران که سلسله‌جنبان آنها (متکلمان متاخر امامی) شیخ مفید (د ۴۱۳ ق) عالم نامدار بغدادی است. ۲. نفوذ اندیشه شیخ طوسی در ایران ۳. اخباریها، بازمانده‌های فقه حدیث‌گرا.

بخش دوم: مکتب فقهی متکلمان

فصل اول به کمیت فقهی متکلمان در ری اختصاص دارد. مؤلف در این فصل به حدود پانزده تن از علمای صاحب نام اشاره می‌کند که هر کدام صاحب آثاری در حیطة مکتب فقهی کلامی در منطقه ری هستند، که از آن جمله‌اند: ابوعبدالله دوریستی، که نقش مهمی در نشر آثار شیخ صدوق و روایت آثار شیخ مفید و سید رضی دارد؛ عبدالجلیل قزوینی رازی که کتابی بسیار مهم به نام نقض داشته که از کهن‌ترین متون کلامی به جای مانده به زبان فارسی است و دفاعیه‌ای است برای امامیه در برابر جناح تندرو اهل سنت.

فصل دوم: مکتب فقهی متکلمان در قزوین است. در این فصل نویسنده به ده نفر از علمای شاخص اشاره می‌کند که از آن جمله‌اند: ابوالفرج مظفر بن علی بن حسین حمدانی، عالم کم شناخته و در عین حال مهم ایرانی که از شاگردان شیخ مفید محسوب می‌شده است. قزوینی رازی تعبیر سفیر امام را در مورد ابوالفرج مظفر به کار می‌برد. گویا ناظر به دعوی‌ای برای سفارت امام عصر (عج) از جانب او بوده است. ناصرالدین حمدانی صاحب اثر المفصول فی ذم اعداء الاصول نیز از آن جمله است.

فصل سوم: مکتب فقهی متکلمان در خراسان است. مؤلف در این قسمت نام هفت تن از علمای بارز را ذکر می‌کند و مختصری در مورد آنها و آثارشان می‌پردازد که از آن جمله‌اند:

محمد بن حسن یا محمد بن احمد فتال نیشابوری (۵۰۸) از عالمان امامی. وی از پدرش که از شاگردان سید مرتضی بوده و نیز از شیخ طوسی روایت داشته است. از شاگردانش ابن شهر آشوب سوری را نیز می‌توان نام برد. گفته شده برادرزاده خواجه نظام الملک (شهاب‌الدین ابوالمحاسن) رئیس نیشابور عامل قتل (شهادت) وی بوده است. کتاب روضة الواعظین را از تصنیفات او دانسته‌اند.

امین‌الدین ثقة الاسلام ابوعلی فضل بن حسن بن فضل طبرسی (م ۵۴۸ ق) فقیه و مفسر نامدار که به سبب تفسیرش مجمع البیان شهرت یافته نیز تفسیر دیگری به نام جوامع الجامع دارد. وی حدود ۴۷۰ ق دیده به جهان گشوده است و از فرزند شیخ طوسی استماع داشته است. از شاگردانش قطب‌الدین راوندی، ابن شهر آشوب، منتجب‌الدین و ... هستند. وی در مبحث حجیت خبر واحد و استناد به آیه نفر، نبأ و آیه لا تقف، بدون موضعگیری صریح از بحث می‌گذرد. وی از نظریه پردازان حجیت ظواهر کتاب است.

فصل چهارم: به مکتب فقهی متکلمان در طبرستان و گرگان می‌پردازد که حدود دوازده عالم در این قسمت مذکورند، از جمله: ابومنصور احمد بن علی ابن ابی طالب طبرسی مؤلف کتاب الاحتجاج. رشیدالدین ابوجعفر محمد بن علی بن شهر آشوب سروی (۵۸۸ ق) از عالمان طبرستان است. از استادان وی قطب‌الدین راوندی و از شاگردانش ابن ادریس حلی، ابن زهره حلی و ... است. تخصص وی در زمینه علوم قرآنی و حدیث است. کتب معروف او عبارت‌اند از: البرهان فی اسباب نزول القرآن، معالم العلماء در شرح علماء امامیه و مناقب آل ابی طالب که از مشهورترین آثار اوست در زمینه فضائل و مناقب اهل بیت (ع).

فصل پنجم به مکتب فقهی متکلمان در کاشان می‌پردازد. مؤلف نام هفت تن از علما در این منطقه را ذکر می‌کند، مانند پادشاه راوندی، علی بن عبدالجبار طوسی و ...

بخش سوم: مکتب فقهی اخباریه

فصل اول: مکتب اخباریه در ری و نواحی مرکزی ایران: در سده‌های سوم و چهارم هجری قم از قطبهای فرهنگ امامیه بوده است عالمان بسیاری در این قسمت‌ها بوده‌اند که به اختصار عبارت‌اند از: مفید نیشابوری، مانگدیم رضی (مانگدیم < ماه‌گون)، منتجب‌الدین رازی. وی در ۵۰۴ ق متولد و در حدود ۶۰۰ عقی فوت کرده و تقریباً نزدیک به صد سال زندگی کرده





است. شیوخ وی بالغ بر ۱۴۶ تن هستند، مانند قطب‌الدین راوندی، طبرسی، سدیدالدین حمصی. وی در تعامل با اهل سنت سعه صدری فراوان داشته است. برخی از آثارش عبارت‌اند از: العصرة، الفهرست که تکمله‌ای بر فهرست شیخ طوسی است و مهم‌ترین منبع رجالی درباره امامیه در سده آخر پنج و تمامی شش است.

فصل دوم: مکتب اخباریه در خراسان: خراسان منطقه‌ای بس گسترده است که امامیان تنها در برخی نقاط چون بیهق و نیشابور تمرکز داشته‌اند. عالمانی چون ابوالبرکات مشهدی، سید شرفشاه افسسی و هفت تن دیگر از علما در این قسمت ذکر می‌شوند.

بخش چهارم: محافل پیرو شیخ طوسی

فصل اول: نخستین مروجان فقه شیخ طوسی: کوشش‌های ابوعلی حسن بن محمد بن حسن طوسی ملقب به شیخ مفید (بعد ۵۱۱ق) فرزند شیخ طوسی که خود به عنوان فقیهی شناخته بوده، مهم‌ترین مروج فقه طوسی و انتقال‌دهنده آن به نسل‌های پسین بوده است. استادان وی غیر از پدرش شیوخ از امامیه و اهل سنت چون سلار دیلمی و ابوالطیب طبری و از شاگردانش کسانی چون عمادالدین طبرسی، فضل بن حسن طبرسی، ابوالفتح رازی و ... بوده‌اند. وی قائل به وجوب استعاذه در قرائت بوده و تألیفاتی از جمله المرشد، و الاحکام داشته است. مروجان آثار طوسی در ایران کسانی بودند که در مکتب شیخ طوسی شرکت داشته‌اند، مانند محمد بن حسن فتال، حسین بن مظفر حمدانی و ...

فصل دوم: پیروان شیخ طوسی در ری و نواحی مرکزی ایران بسیارند که در کتاب به هفت نفر از آن بزرگان اشاره شده که به ذکر دو نفر بسنده می‌کنیم: عبدالجبار بن عبدالله رازی، برجسته‌ترین شخصیت از میان شاگردان شیخ طوسی است که در ترویج فقه شیخ طوسی، در ایران نقشی اساسی داشته است. وی مروج کتاب فقهی - حدیثی الاستبصار شیخ طوسی بوده است. به گفته منتجب‌الدین، وی دارای آثار فارسی و عربی در فقه بوده است. او یکی از مؤثرترین افراد در جریان فارسی‌نویسی در فقه امامیه است که به همین جهت جایگاه بسیار والایی در جریان فارسی‌نویسی فقه امامی دارد. ابوالفتوح رازی بیشتر به سبب تفسیرش روح الجنان شهرت گرفته است. دوره فعالیت وی حدود ۵۳۵ - ۵۶۰ق است. استادانش، پدرش و ابوعلی طوسی و عبدالجبار رازی هستند و شاگردانش ابن شهر آشوب و منتجب‌الدین رازی

هستند. ابوالفتوح رازی در تدوین روح الجنان به گونه‌ای محسوس از الثبیان شیخ طوسی تأثیر پذیرفته و از برخی جهات اثری همسان با مجمع البیان طبرسی، البته بدون در دست داشتن آن، پدید آورده است. کتب دیگر او روح الاحباب و روح الاباب است.

فصل سوم: پیروان شیخ طوسی در خراسان: در رتبه‌ای پس از ری، خراسان به عنوان یکی از اصلی‌ترین مراکز گسترش مکتب شیخ طوسی در ایران مطرح است. از بزرگان علما در این قسمت می‌توان به صورت مختصر به این شکل نام برد: عمادالدین ابن حمزه طوسی، فقیه امامی در ده‌های آغازین سده ششم هجری که در سده‌های بعد به وسیله کتابش الوسيلة شناخته شده است. او در طبقه‌ای در حدود ۳۵۳ تا ۵۶۰ ق است. کتب دیگر او عبارت‌اند از: الرائع فی الشرائع و مسائل فی الفقه. قطب‌الدین کیزری که بیشتر به خاطر شارح نهج البلاغه شهرت یافته است. او را باید در طبقه‌ای حدود ۵۸۵ تا ۶۱۰ ق جای داد. از مهم‌ترین کتبش، حدائق الحقائق است در شرح نهج البلاغه. کتاب فقهی الاصبح یا اصباح الشیعة را بدو منسوب می‌دانند.

بخش پنجم: نقد در محافل اصولیه ایران

فصل اول: قطب‌الدین راوندی: وی از مشاهیر فقه‌های امامیه در سده ششم هجری است که در علوم گوناگون تبحر داشته است. از شاگردانش می‌توان ابن شهر آشوب و منتجب‌الدین را نام برد. وی به عنوان نخستین مطرح‌کننده دستگاه مرکب (ادله فقهی) از عقل، کتاب، سنت و اجماع در تاریخ فقه امامیه است. وی بارها اجماع را پیش از تمامی ادله جای داده است. کتاب فقه القرآن وی، نخستین نوشته مستقل امامیه در باب احکام القرآن است. وی در جای جای فقه القرآن به صراحت و به تکرار در انکار حجیت خبر واحد سخن آورده است. او پس از تأکید بر لزوم آگاهی یافتن بر صحت صدور اخبار، وارد بحث فهم نصوص شده و بر به کارگیری عقل در فهم نصوص تأکید کرده و برخی از پیشینیان را به سبب سکوت در «عقلیات» و بسنده کردن به «شرعیات» تخطئه کرده است. آثار دیگر او به اختصار عبارت‌اند از: احکام الاحکام، الانجاز فی شرح الایجاز که ظاهراً شرحی بر الایجاز شیخ طوسی در مباحث ارث است.

فصل دوم: سدیدالدین حمصی، عالم برجسته امامی که در اواخر سده ششم هجری نام او



در صدر منتقدان عصر خویش جای گرفته است. او را باید در طبقه ۵۶۰ تا ۵۸۵ ق جای داد (حُمص به معنی فروشنده حیوانات است). از شاگردانش باید منتجب الدین رازی و ابن ادریس حلی را نام برد. شخصیتش در کلام بیشتر شناخته‌تر است، ولی بر اصول فقه نیز چیره بوده و کتاب المصادر فی اصول الفقه را نگاشته است. ابن ادریس در سرائر نقل می‌کند: «شیخ ما محمود حمصی، کلام شیخ طوسی را در العدة نقل کرده و در باب اخبار بر معظم آن به تفصیل ایراد کرده است.» وی اساس گشودن باب حجیت خبر واحد را به انکار گرفته است. بیشترین شهرت حمصی به خاطر انتقادهای وی است، مانند جمله تاریخی وی راجع به تقلید از علما از شیخ طوسی در طول یک قرن و نیم پس از او؛ دیگری راجع به ابوالمکارم ابن زهره حلبی است و انتقادی تند که راجع به ابن ادریس حلی دارد.

